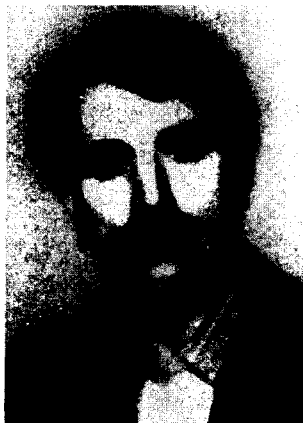


گفتگو با دکتر کاظم لطفی پور

دبیر سومین همایش ترجمه تبریز

■ مختصری درباره سابقه همایش ترجمه تبریز برای ما بگویید.



با سلام و تشکر از اینکه برای درج اخبار همایش ترجمه تبریز در مجله مترجم اقدام فرموده‌اید. همایش حاضر که از ۱۵ لغایت ۱۷ اسفند ۱۳۷۷ در دانشگاه تبریز تشکیل می‌شود سومین همایش از این نوع می‌باشد. همایش اول در مهر ماه ۱۳۶۹ و همایش دوم در مهر ماه ۱۳۷۳ در دانشگاه تبریز تشکیل شد و این هم مدیون همت والای همکاران و دوستان دانش دوست گروه زبان انگلیسی و اولیا و مسؤولان دانشگاه تبریز بوده است که همواره مشوق فعالیت‌های پژوهشی بوده و از هیچ‌گونه کمک مالی و تخصیص بودجه مضایقه ننموده‌اند.

■ استقبال از سومین همایش ترجمه چگونه بوده است؟ گویا دکتر حتم هم در این همایش شرکت خواهند کرد. موضوع سخنرانی ایشان چیست و برای دعوت از ایشان با چه مشکلاتی روبرو بوده‌اید؟

بعد از اقدام به برگزاری اولین همایش، اساساً استقبال سرشار همگانی عامل دیگر تشویق ما برای استمرار کارمان بوده است. استقبال از سومین همایش ترجمه هم از نظر مقالات پیشنهاد شده و هم از نظر تعداد شرکت کنندگان بیش از پیش بوده است و روی این اصل و به جهت محدودیت‌های بودجه و غیره مجبور شده‌ایم بیش از ۶۲ درصد مقالات دریافتی را به‌رغم اینکه از کیفیت موضوعی و پژوهشی بالایی برخوردار بوده‌اند نتوانیم در چارچوب همایش بگنجانیم و نیز جهت ارتقای بیش از پیش سطح علمی همایش از ترجمه‌شناس مشهور آقای پروفیسور بسیل حتم استاد گروه ترجمه‌شناسی دانشگاه هریت وات ادینبراینیز دعوت کرده‌ایم در این همایش شرکت کنند. ایشان نیز با استقبال از این امر پیشنهاد نموده‌اند مقاله‌ای تحت عنوان *Culture & Communiation in the Practice of Translation & Interpreting: A Discourse Perspective* ارائه نمایند. منتها بعداً به ما اطلاع دادند که به علت مشکلات مالی دانشگاه محل کارشان قادر به پرداخت هزینه سفرشان نخواهند بود و روی این اصل، اینجانب با جلب موافقت اولیای محترم دانشگاه تبریز قبول

نموده ایم بخشی از هزینه سفر ایشان را بپردازیم. در این لحظه که با شما صحبت می‌کنم آخرین وضع و خبر از این قرار بوده است. ویزای ورودی ایشان را از طریق وزارت محترم علوم و آموزش عالی گرفته و شماره آن را از طریق e-mail به آقای حتمی اطلاع داده ایم و امیدواریم که بتوانند در این مجمع علمی حضور بهم برسانند.

■ در همایش‌ها معمولاً جدا از عنوان کلی همایش، موضوعات خاصی نیز از سوی برگزارکنندگان همایش اعلام می‌شود که این موضوعات معمولاً هدفی واحد را دنبال می‌کنند. آیا در این همایش نیز هدفی خاص یا موضوعاتی خاص اعلام شده است؟

بلی اساساً این سلسله همایش‌ها همگی موضوعات خاصی را عنوان نموده است از جمله ترجمه ادبی، اصول و تئوریهای ترجمه، زبان‌شناسی و ترجمه، ترجمه متون اسلامی، ترجمه و فرهنگ، ترجمه و ویرایش و الخ. و داوران محترم کمیته علمی همایش پذیرش مقالات دریافتی را متناسب با موضوعات فوق مد نظر قرار داده‌اند.

■ با توجه به این که تمامی کسانی که در این همایش مقاله ارائه می‌کنند استاد دانشگاه هستند و نه مترجم حرفه‌ای، و نیز با توجه به این که نظریه و عمل ترجمه به هم آمیخته است و یکی تئوریت‌کننده دیگری است، آیا منصفانه است اگر بگوییم پرداختن به مسائل ترجمه از دیدگاهی صرفاً نظری اساساً یک دل‌مشغولی آکادمیک است و همین همایش خود این نکته را اثبات می‌کند؟

اولاً باید عرض کنم که برعکس تصور جنابعالی هم در همایش‌های قبلی و هم در همایش حاضر هم استادان دانشگاه‌ها و هم مترجمین بنام شرکت کرده‌اند، در همایش اول مرحوم استاد آرام دربارهٔ تجارب علمی خودشان صحبت کردند و مترجمانی مانند نجف دریابندری، رضا سیدحسینی و صفدر تقی‌زاده با شرکت فعال در میزگردها و سمینارهای فرعی موجب پربارتر شدن همایش شدند و التقاط دانش و تجارب عملی را بعینه تجلی بخشیدند.

در ثانی حتی اگر هم استادان دانشگاه‌ها بحث‌های خودشان را صرفاً به مسائل نظری ترجمه منحصر نمایند ما به لحاظ اهمیت ترجمه‌شناسی و مطالعات ترجمه در ترسیم عملی ماهیت راستین زبان، هیچ‌وقت چنین بحث‌ها را "دل‌مشغولی" نمی‌شماریم زیرا هدف عمده از آن بحث‌ها تربیت مترجم نیست چون ترجمه بیشتر یک "هنر" است تا "دانش و فن" و بیش از آنچه نیازمند اصول و روش باشد نیازمند "ذوق" است و روی این اصل ما هیچ‌وقت تربیت مترجمین خوب و با ذوق را جزو اهداف زیربنایی همایش قرار نمی‌دهیم. لابد این سؤال مطرح می‌شود که پس برپایی چنین مجامعی چه انگیزه علمی می‌تواند داشته باشد. در پاسخ عرض می‌کنم که اولاً به‌رغم ماهیت اصلی ترجمه که بیشتر "هنر" است نه فن، باید اذعان کرد که بحث‌های نظری ترجمه‌شناسی و تفحص در شرایط تعادل ترجمه‌ای موجب متعالی‌تر شدن این هنر شده و مترجمان پز ذوق را در اتخاذ ترفندهای مناسب ترجمه‌ای یاری خواهد نمود. در ثانی در دو دههٔ اخیر بحث‌های جالبی درباره

نقش زبان در طیف وسیعی از مطالعات سخن‌کاوی (Discourse Analysis) بجزریان افتاده که ترجمه‌شناسی می‌تواند منبع شواهد عینی و داده‌های شورانگیزی برای این بحث‌ها بحساب بیاید و از این طریق نقش عمده‌ای در تعالی بخشیدن به اهداف فلسفه علمی زبان ایفا نماید. جهت روشن‌تر شدن امر به چند نکته اشاره می‌کنم. از یک طرف اصل ساختارگرایی معتقد به متفاوت بودن زبانها است؛ از طرف دیگر نظریه نسبیت زبانی که معتقد است ساختار هر زبان تفکر گویشوران آن زبان را تحت تأثیر قرار می‌دهد نمی‌تواند صددرصد مورد انکار قرار گیرد و با توجه به شواهد موجود درصدی از این نظریه باید پذیرفته گردد. به علاوه دیدگاه نقش‌گرایی معتقد به وجود ارتباط تنگاتنگی بین ساختار زبان و نیازها و شرایط محیط و بافت ارتباطی می‌باشد و نیز در پاره‌ای از گرایش‌های دیدگاه مزبور اعتقاد راسخی به وجود ارتباط بین نحوه بیان و بینش ایدئولوژیکی گویشور دیده می‌شود و الخ. ما معتقدیم که مطالعات ترجمه و ترجمه‌شناسی امکان مطالعه و کنکاش عملی در این موضوعات را فراهم می‌آورد و به مترجم و ترجمه‌شناس امکان می‌دهد تا با مشاهده روش‌های متفاوت بیان در زبان مبدا و مقصد و گاه باروبرو شدن با عدم امکان بیان مفاهیم زبان مبدا در قالب‌های موجود در زبان مقصد در موضوعاتی از قبیل ارتباط بین زبان و اندیشه، زبان و فرهنگ، محیط زیست و زبان، هویت فردی و زبان، ایدئولوژی زبان به غور و تفحص بپردازد. یقین داریم چنین تفحصاتی دست آوردهای بسیار باارزشی نثار فلسفه علوم زبانی خواهد نمود. پس توجه می‌فرمایید که ترجمه و ترجمه‌شناسی تنها یک دل‌مشغولی آکادمیک نیست.

■ اگر نکته‌ای در ارتباط با همایش از قلم افتاده، بفرمایید.

اگر شرکت‌کنندگان در همایش همیشه از عدم وجود یک چارچوب و انجمن موجه مترجمان‌گله داشته‌اند فکر می‌کنم انتظار بجایی است که فعالیت‌های ترجمه و ترجمه‌شناسی در کشور در یک چارچوب منسجم قرار داده شود و بدین ترتیب محوری قابل قبول برای چنین فعالیت‌هایی تهیه گردد. امیدوارم سلسله همایش‌های دانشگاه تبریز از یک طرف و نشریات و مجلات علمی نظیر مجله مترجم در مشهد از طرف دیگر مقدمات تهیه چنین چارچوب‌هایی را فراهم بیاورند. انشاءالله.